

کودکان کار و خیابانی قربانیان خشونت در جامعه

دکتر ثریا معمار

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

فقر گسترده، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، مهاجرت بی‌رویه، ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها در مقیاس جهانی موجب گسترش غفلت و اعمال خشونت نسبت به کودکان شده‌است. آمارهای رسمی و غیررسمی در سطح جهان نشان می‌دهد میلیون‌ها کودک در زیر سن قانونی ۱۸ سال مشغول به کارند و یا در خیابان‌ها شده‌اند. این کودکان در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و فاقد مهارت‌های لازم برای رویارویی با مشکلات پیچیده‌ای که خود در آن سهمی ندارند، هستند. این گروه از کودکان از محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه‌اند که از سوء تغذیه، خشونت، بیماری‌های جسمی روانی و آزار جنسی رنج می‌برند. محیط ناامن خانواده با فضای پرتنش و اضطراب و سرشار از توهین، تحقیر، تبعیض و بی‌مهری راهی جز فرار از خانه برایشان نگذاشته‌است. وجود نابرابری‌های اقتصادی و آثار آن بر فضای خانواده‌ها، فقر فرهنگی، سودجویی کارفرمایان، خشونت نهادینه شده در جامعه و ساختار خانوادهٔ مردسالار همراه با بی‌توجهی به نیازهای کودکان بویژه اگر یکی از والدین بیمار روانی، معتاد یا الکلی باشد بر وخامت اوضاع می‌افزاید.

نهادهای قانونی و حقوقی و سازمان‌های درگیر برای حل این معضل به دلیل گستردگی این پدیده هنوز نتوانسته‌اند از شدت این فاجعه بکاهند، هر روز شاهد ورود کودکان به دنیای بیرحم و خشونت‌بار جامعه هستیم. برخی از گروه‌های داوطلب سعی دارند با ارائهٔ راهکارهایی به جذب و بازپروری این گروه از کودکان اقدام نمایند اما بایستی دانست حل این معضل تنها در سایهٔ عزم ملی امکان‌پذیر است. مردم و تمامی نهادها و سازمان‌ها بایستی در رفع این مشکل بکوشند این مقاله سعی کرده‌است به تحلیلی مختصر از این پدیده، تعریف و تیپولوژی کودکان خیابانی و کار و بررسی علل ظهور این پدیده و در نهایت ارائهٔ راهکارهایی



عکس از محمدرضا رزمجو



●●● تا آغاز قرن
بیستم در بریتانیا و
بیشتر کشورهای غربی
کودکان در سنی که
اکنون خیلی زود به نظر
می‌رسد، به کار گمارده
می‌شدند. این اندیشه که
کودکان حقوق مشخصی
دارند و این عقیده که
استفاده از کار کودک از
نظر اخلاقی زنده است،
پدیده‌ی کاملاً جدیدی
است ●●●

بپردازد. مسلم است حل این معضل با کمک تمامی مردم امکان پذیر است؛ در وهله‌ی اول بایستی نسبت به این گروه از کودکان بی تفاوت نبوده و آنان را برای این نوع زندگی که دارند سرزنش نکنیم. آنچه این گروه از کودکان نیاز دارند محبت، حمایت، آموزش و توجه است که نباید از آنها دریغ شود.

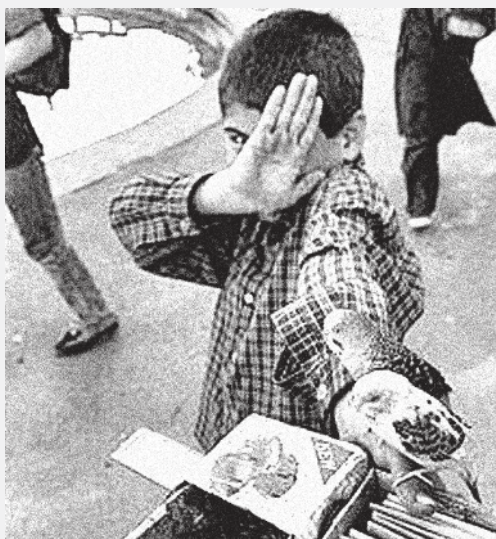
مقدمه و طرح مسأله

در گذشته‌های نه چندان دور وقتی خاطرات پدرها و پدربزرگها را مرور می‌کنیم، می‌شنویم که آنها در دوران کودکی خود کار می‌کرده‌اند و این یک امر رایج بوده است. کار کودکان در مناطق روستایی و عشایری هنوز هم یک امر رایج است. در شهرها رسم بر این بوده و هست که بچه‌ها در تابستان مشغول یک فعالیت اقتصادی شوند. این فعالیت بیشتر از اینکه مربوط به مشکلات اقتصادی خانواده باشد، یک مسأله فرهنگی است و بر این تفکر استوار است که کودک راه و رسم کاسبی را یاد بگیرد، قدر پول را بیشتر بشناسد. این امر نوعی آمادگی برای آینده شغلی او تلقی می‌شود؛ اما در حال حاضر با نوعی بهره‌کشی از کار کودکان مواجهیم که بویژه ناشی از ابعاد و پیامدهای منفی نابرابریهای اقتصادی-اجتماعی و فقر گسترده است. این امر در مقیاس جهانی به گسترش غفلت و خشونت نسبت به کودکان، بهره‌کشی، استثمار، آزار و اذیت آنها دامن زده است. از سوی دیگر تغییراتی که در ساختار و روابط کارکردی خانواده‌ها، هم‌زمان با تغییرات اقتصادی و اجتماعی شتابان در مناسبات اجتماعی و نهادی بیرون از نهاد خانواده به وقوع پیوسته است، موجب بروز تنشها و تضادها در فضای خانواده‌ها شده است. کودکان و نوجوانانی که در سلسله مراتب قدرت و منزلت در خانواده و جامعه موقعیت ضعیفی دارند و در طی مراحل رشد به بزرگسالان وابسته بوده، مهارت‌های لازم را برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها ندارند و در معرض آسیب‌های

جدی واقع شده‌اند. بر طبق آمارهای موجود که از طرف سازمان یونیسف ارائه شده است در جهان بیش از ۱۵۰ میلیون کودک در خیابانها به کار و زندگی مشغول هستند. کودکان کار، بخش قابل توجهی از جمعیت شاغل را در بسیاری از کشورها تشکیل می‌دهند. به طور مثال ۵۰۰ هزار کودک در هند، ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار کودک در چین و ۲۰۰ هزار کودک در تایلند مشغول به کارند. بر طبق آمار رسمی حدود ۳۷۰ تا ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر جهان کار ثابت دارند. (یونیسف، ۱۳۸۰، شیخاوندی، ۱۳۷۳، مجیدی ۱۳۷۸)

بخش عمده این کودکان در کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین، جنوب آسیا و کشورهای آفریقایی زندگی می‌کنند. این گروه از کودکان از جمله محرومترین و آسیب پذیرترین گروه‌های جامعه هستند که از سوء تغذیه، بیماری‌های جسمی و روانی، آزار جنسی و خشونت رنج می‌برند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد به دلیل طرح مسائل مشترک کودکان در سطح جهانی و توجه بیشتر به مسائل مبتلا به کودکان از قبیل افزایش آمارهای سوء رفتار نسبت به کودکان در خانواده و جامعه پدیده جدیدی تحت عنوان کودکان کار، کودکان خیابانی و کودکان رها شده ظاهر شد. این کودکان سبک زندگی ویژه خود را داشتند و ارتباط ناپیوسته و گسسته‌ای هم با خانواده و با نهادها و مؤسسات جایگزین خانواده داشته‌اند. در ایران نیز از چند دهه قبل معضل کودکان خیابانی و کودکان کار نظر صاحب نظران رشته‌های علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است لازم به ذکر است طیف گسترده‌ای از این کودکان در مکانهای مختلف مشغول به کار هستند و تنها برخی از آنها هنگام کار در خیابان دیده می‌شوند که بیشتر نظر مردم را جلب کرده است.

واقعیت زندگی این گروه از کودکان غیر قابل انکار است. این مقاله می‌کوشد تا چهره واقعی این پدیده را بیش از پیش آشکار سازد و به تحلیل علمی این پدیده بپردازد.



●●● بر اساس ماده ۳۲
کنوانسیون حقوق کودک
دولتها باید حق کودک
را در برخورداری از
حمایت در برابر استثمار
اقتصادی به رسمیت
بشناسند. کارهایی که
مزاحم آموزش، بهداشت،
تحول اجتماعی، اخلاقی،
فیزیکی، روحی و ذهنی
کودکان است و به آن
آسیب می‌رساند، ممنوع
اعلام شده است ●●●

گذاشته اند:

۱. با پایین آمدن نرخ رشد زاد و ولد در کشورهای پیشرفته و سالخوردگی هرم جمعیتی ارزش حفظ جمعیت جایگزین و تربیت کودکان مورد توجه قرار گرفت.

۲. تغییر در ساختار خانواده به شکل هسته‌ای، یکی از دلایل توجه بیشتر به کودکان بود؛ زیرا خانواده محدود به پدر و مادر و فرزندان گردید.

۳. تلاش دولتمردان و جامعه‌شناسان برای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی برای حفظ نظم و آینده‌نگری در برنامه‌های بلند مدت باعث شد کودکان بعنوان یک نیروی جایگزین مورد توجه بیشتری واقع شوند.

۴. رشد بالای جمعیت جوان کشورهای در حال توسعه و نگرانی درباره کنترل جمعیت و توسعه این کشورها باعث شد به کودکان توجه بیشتری شود.

در این میان انسانی‌تر شدن رفتار بشر نسبت به قرون گذشته نیز بی‌تأثیر نبوده است. تمام این عوامل باعث شد که کنوانسیون حقوق کودکان در سال ۱۹۵۹ تهیه و تنظیم شود و از آن تاریخ به بعد کار کودکان بعنوان معضل اجتماعی تعریف گردید. بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک دولتها باید حق کودک را در برخورداری از حمایت در برابر استثمار اقتصادی به رسمیت بشناسند. کارهایی که مزاحم آموزش، بهداشت، تحول اجتماعی، اخلاقی، فیزیکی، روحی و ذهنی کودکان است و به آن آسیب می‌رساند، ممنوع اعلام شده است.

تیپولوژی کودکان کار و کودکان خیابانی

از دیدگاه یونیسف جمعیت بین ۰ تا ۱۸ سال در کنوانسیون‌های جهانی بعنوان کودک تعریف شده است. کودکان کار به همه کودکان زیر ۱۸ سال که به منظور کسب درآمد برای تأمین معاش خود و خانواده به ناگزیر وارد بازار کار شده‌اند اطلاق می‌شود. این کودکان به دو

زیرا بدون شناخت علل بروز این پدیده نمی‌توان با آن مبارزه کرد. این گروه از جامعه از جمله محرومترین گروه‌ها هستند که نمی‌توانند از خود در مقابل مشکلات پیشروی خود دفاع کنند. به همین دلیل لازم است این پدیده بیش از پیش از سوی صاحب‌نظران مورد مطالعه، نقادی و تحلیل قرار گیرد تا بتوانیم با آن مبارزه کنیم و تا حد توان از گسترش آن جلوگیری نماییم. هر چند این مقاله بر مبنای روش بررسی اسنادی و نه پژوهش میدانی تنظیم شده اما کوشیده‌ایم در تشریح نظرات خود، از یافته‌های پژوهشی سایر محققان استفاده نمایم.

کودکی و حقوق کودک

توجه به دوران کودکی بعنوان یکی از مراحل رشد در زندگی محصول شرایط مدرن است. تا دوران قرون وسطی اساساً مفهوم کودکی وجود نداشت. این بدین معنی نیست که کودکان مورد غفلت قرار می‌گرفتند یا رها می‌شدند. بلکه منظور این است که توجه به کودک به معنای آگاهی از طبیعت خاص کودکی که او را از بزرگسالان و یا جوانان متمایز سازد، وجود نداشت. این فقدان تعریف از طبیعت خاص کودکی به همه حوزه‌های عمل اجتماعی از قبیل بازیها، حرفه‌ها و جنگها سرایت کرده بود؛ تا آغاز قرن بیستم در بریتانیا و بیشتر کشورهای غربی کودکان در سنی که اکنون خیلی زود به نظر می‌رسد، به کار گمارده می‌شدند. این اندیشه که کودکان حقوق مشخصی دارند و این عقیده که استفاده از کار کودک از نظر اخلاقی زنده‌است، پدیده کاملاً جدیدی است. (گیدنز، ۱۳۷۹)

دلایل متعددی را می‌توان برای مورد توجه واقع شدن کودکی مطرح کرد؛ اولین توجه بعد از جنگ جهانی دوم بوجود آمد. زیرا حین جنگ سوءاستفاده‌های بی‌شماری از کودکان صورت گرفت که در نهایت در سال ۱۹۸۴ در منشور حقوق بشر به حقوق کودکان نیز اشاره شد. اما دلایل اقتصادی و اجتماعی که بر این موضوع تأثیر

●●● از کودکان در
مشاغلی چون جمع آوری
زباله، فروش مواد مخدر،
کار در کارگاه های
آجرپزی و بلورسازی،
تکدی گری در قالب
آدامس فروشی، فال و
دعا استفاده می شود.
از سوی دیگر دختران،
بیشتر در کارگاه های
خانگی از جمله فرش
به کار گمارده
می شوند ●●●

گروه تقسیم می شوند:

● الف: کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و هیچگونه ارتباطی با خانواده خود ندارند.
● ب: کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و تا حدودی ارتباط خود را با خانواده حفظ کرده اند.
● ج: کودکانی که با خانواده خود زندگی می کنند و در خیابان به کار می پردازند در بسیاری از موارد مسکن این قبیل خانواده ها آلودگی های واقع در پیاده رو یا حلی آبادهاست.

برای گروه کوچکی از کودکان خیابانی، خیابان به منزله خانه است. آنها در خیابان بی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابان برای آنها حکم خانواده را پیدا کرده اند. این گروه از کودکان یا سرپرستی ندارند و یا در صورت داشتن خانواده به دلایل مختلف زندگی در خیابان را امنتر از زندگی در خانواده می دانند.

کودکان رها شده، طرد شده و کودکان فراری نیز گاهی بعنوان گروه مجزا در نظر گرفته می شوند. اما به دلیل اینکه راه بازگشتی ندارند، در مدت کوتاهی به کودکان خیابان مبدل می شوند. بسیاری از این کودکان کارتن خوابند. در مطالعه درباره کودکان خیابانی تهران این گروه به دو دسته عمده ساکن و مهاجر تقسیم شده اند.

گروه مهاجران بیش از ۶۵ درصد از آمار کودکان خیابانی تهران را تشکیل می دهند. کودکان خیابانی از لحاظ گذران امور شامل یکی از شش گروه ذیل می شوند:

- ۱) کارگران خیابانی دارای مشاغل واقعی.
- ۲) کارگران خیابانی دارای مشاغل کاذب.
- ۳) ولگردان تلکه گیر و باج گیر.
- ۴) متکدیان.
- ۵) گروه بزهکاران.

عموم این کودکان در یک نگاه کلی در آستانه آسیب پذیری و اعمال ضد اجتماعی قرار دارند؛ بسیاری از آنها در معرض برخی از آسیبها بوده و به خاطر اعمال مجرمانه با پلیس درگیر شده و سرانجام به زندان و یا کانونهای اصلاح و تربیت راه یافته اند.

۶) کودکان پارک و کودکان کلوپ.

این گروه از کودکان شامل افرادی هستند که به منابع اقتصادی خانواده دسترسی دارند و با استفاده از همین منابع در پارکها و کلوپهای مختلف با

الف: کودکانی که کمتر از پانزده سال سن دارند و طبق قانون کار، کار کردن برای آنان ممنوع است.
ب: کودکانی که پانزده تا هجده سال سن دارند و بر اساس قانون کار طبق شرایط خاص (ساعت کار کم، کار سبک و ...) کار می کنند. (یونیسف ۱۳۸۱)

به دلیل منع قانونی بکارگیری و اشتغال کودکان، مشاغل مربوط به کار کودکان و نوع مشاغل سیاه با حداقل مهارت فیزیکی حداقل مزد، بیشترین بهره کشی از نظر حجم کار، فشردگی میزان کار، نوع کار و سختی و زیان آوری آن وجود دارد. همچنین در شرایط ناامن با کمترین ایمنی در برابر حوادث کار و بدترین وضعیت بهداشتی کار کودکان صورت می گیرد. آمار دقیقی از کودکان کار در دسترس نیست؛ اکثر آمارها هم به دوره گردهای شهری که در خیابان پرسه می زنند، محدود می شود در حالی که تعداد زیادی از این کودکان در کارگاه های آشکار و مخفی اطراف شهر مشغول به کار هستند. معمولاً از کودکان در مشاغلی چون جمع آوری زباله، فروش مواد مخدر، کار در کارگاه های آجرپزی و بلورسازی، تکدی گری در قالب آدامس فروشی، فال و دعا استفاده می شود. از سوی دیگر دختران، بیشتر در کارگاه های خانگی از جمله فرش به کار گمارده می شوند.

اشتغال به کار کودکان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. اشکال آشکار: اشتغال به کار کودکان شامل کار در خیابانها، مزارع، کارگاه های در معرض دید مانند انواع و اقسام کارگاه های مکانیکی، تراشکاری، نجاری و ...

۲. اقسام پنهان: اشتغال به کار کودکان شامل کار در کارگاه های زیرزمینی (کارگاه های خیاطی، بسته بندی، کفش دوزی، کارگاه های جیر و چرم) کارگاه های خانگی و کارگاه های قالی بافی.

کودکان خیابانی

کودکان خیابانی شامل کودکانی هستند که تمام و یا قسمت اعظم وقت خود را در خیابان سپری می کنند.

این کودکان به سه گروه تقسیم می شوند:



●●● توزیع ناعادلانه

ثروت، بیکاری و تورم

فزاینده به خانواده‌ها

فشار جدی وارد

کرده است، به طوری

که آنها را وادار

می کند از فرزندان

خود بعنوان نیروی

کاری بهره گیرند؛ فقر،

بویژه در خانواده‌های

تک سرپرست و یا

خانوارهایی که یکی از

والدین بیکار هستند

شدیدتر است و کودکان

در چنین خانواده‌هایی

بیشتر آسیب می بینند

●●●

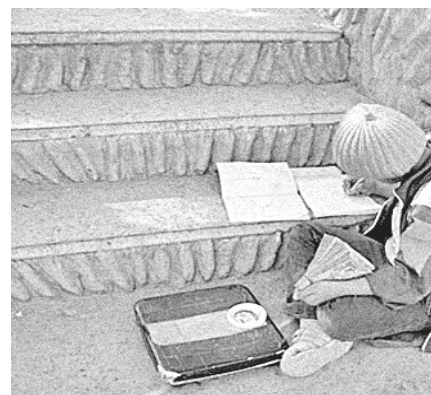
ولخرجی‌های خود بین گروه همسالان به "بچه معرفت" مشهور شده‌اند. این کودکان به علت ناهنجاری‌های گوناگون در خانواده از منابع عاطفی، انسانی و تربیتی محیط خانواده بی بهره‌اند و کمبودها و نایافته‌های خود را در پارک، خیابان و کلپ جستجو می‌کنند. (جانقلی، ۱۳۸۳)

علل پیدایش کودکان کار و خیابانی

وجود فشارهای اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی موجب شده است هزاران کودک به جای اینکه وقت خود را صرف تحصیل و آموزش و یادگیری مهارت‌های اولیه کنند، مشغول انجام کارهای طاقت فرسا باشند. بدیهی است برای پیدایی یک پدیده، تنها یک عامل مؤثر نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل دخیل هستند که به برخی از آنان به اختصار اشاره می‌شود.

۱. **نابرابری اقتصادی (فقر):** عدم تعادل اقتصادی یکی از علل عمده و زیربنایی پیدایی کودکان خیابانی و کار است؛ توزیع ناعادلانهٔ ثروت، بیکاری و تورم فزاینده به خانواده‌ها فشار جدی وارد کرده است به طوری که آنها را وادار می‌کند از فرزندان خود بعنوان نیروی کاری بهره‌گیرند؛ فقر، بویژه در خانواده‌های تک سرپرست و یا خانوارهایی که یکی از والدین بیکار هستند شدیدتر است و کودکان در چنین خانواده‌هایی بیشتر آسیب می‌بینند.

۲. **ناتوانی خانواده در برآورده کردن نیازهای کودک:** وجود تنش در فضای خانواده، بگومگوی مکرر زوجین، تحقیر، توهین، تبعیض و خشونت علیه زن و فرزندان از سوی پدر موجب می‌شود نیازهای کودک، احترام به او و رشد و تعالی او به حاشیه رانده شود. یک خانوادهٔ سالم، خانواده‌ای است که در آن والدین با مهر و عطوفت، همکاری و همیاری به پرورش فکری، ذهنی، عاطفی و اجتماعی فرزندانشان مبادرت می‌ورزند. در چنین خانواده‌ای فضایی مهر آمیز حاکم است که زوجین و فرزندان با آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند؛ اما واقعیت در برخی از خانواده‌ها غیر از این است. والدینی که مهارت کافی برای پرورش فرزندان خود را ندارند، یا معتادند یا دچار اختلال روانی و شخصیتی‌اند و یا تنبیه شدید را برای آموزش لازم و ضروری می‌دانند، نمی‌توانند فضای عاطفی سالمی را برای پرورش و رشد فرزندان خود فراهم آورند. از سوی دیگر ساختار مردسالارانه نیز به این وضعیت دامن می‌زند. در خانوادهٔ مردسالار، مرد از لحاظ قانونی و حقوقی و اجتماعی مقامی برتر از زن و کودک دارد. در صورتی که تعارضی در خانواده بوجود آید، مرد برای حفظ مقام خود در سلسله مراتب خانواده و همچنین نظارت بر چگونگی رفتار دیگران و وادار کردن آنها به رفتاری مطابق میل خود دست به خشونت می‌زند. از سوی دیگر ساختار اجتماعی به گونه‌ای شکل گرفته است که در آن اعمال خشونت به صورت آشکار و پنهان بعنوان پدیده‌ای طبیعی و عادی تلقی می‌شود. اگر زن و کودک مورد خشونت واقع شوند جامعه در قبال آنها سکوت کرده و به طور پنهانی آن را تأیید و تحمل می‌کند. بنابراین در ساختار خانوادهٔ مردسالار، اعمال خشونت و کودک‌آزاری جزو رویه‌های هنجاری است. حال اگر مشکلات اقتصادی و فشارهای روانی محل کار مرد را به این معضل اضافه کنیم، مشکل پیچیده تر شده و قربانیان این وضعیت زنان و کودکان خواهند بود. در نهایت این دسته از کودکان از خانه گریزان و متواری می‌شوند و یا مجبور به کار کردن گردیده، به سرعت وارد بازار کار می‌شوند، تا لحظاتی از اضطراب داخل منزل آسوده باشند. اما به محض ورود به جامعه و محیط کار در معرض





کار کودک منفعه!!

●●● از نظر صاحبان

مشاغل، کودکان

امتیازهایی نسبت به

بزرگترها دارند. کودکان

درازای انجام کار معین

دستمزد ارزانتری دارند،

مطیعترند و با تقاضاهای

نوسانی بازار کار همسازی

بیشتری دارند و هر زمان

می توان آنها را اخراج

کرد. کودکان نمی توانند

عضو اتحادیه ها باشند؛

آنها اعتصاب نمی کنند؛

آنها را می توان به صورت

فصلی استخدام کرد؛

و می توان از شمول

نظام تأمین اجتماعی

خارجشان کرد و ده ها

امتیاز دیگر... ●●●

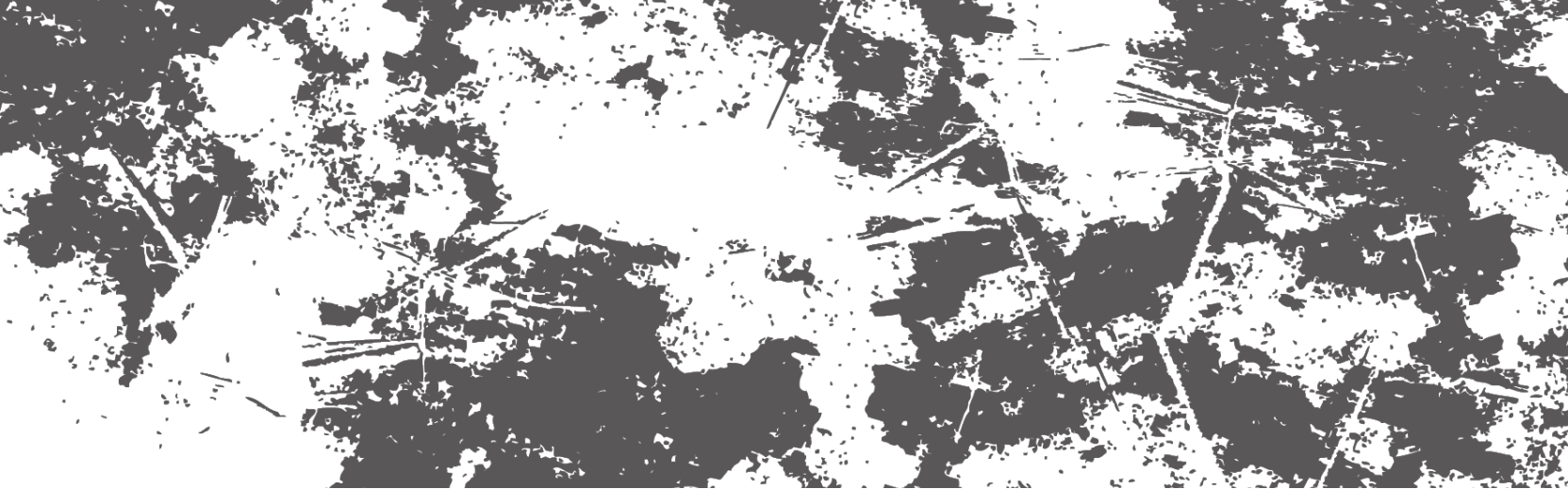
و مؤسسات عمومی چون شهرداری ها خدمات اجتماعی و سازمانهای اجتماعی به این امور پرداخته اند، اما هنوز نتوانسته اند کارآمد شوند. در ایران بویژه از دهه ۱۳۷۰ پدیده کودکان خیابانی در شهرهای بزرگ ایران بوجود آمد. در واکنش به این آسیب سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی مختلف اقدام به اجرای مجموعه ای از برنامه ها و سیاستها نموده اند؛ از جمله معاونت اجتماعی شهرداری تهران با تأسیس مراکز ماند خانۀ سبز (برای پسران) و خانۀ ریحانه (برای دختران) اقدام به نگهداری و حمایت از کودکان فراری و خیابانی نمود. این مراکز هم اکنون تعطیل شده اند اما با آیین نامه سازماندهی کودکان خیابانی در هیأت وزیران در سال ۱۳۸۲ سازمانهای دولتی مختلف به طور مستقیم در سازماندهی و حمایت از کودکان خیابانی مسؤولیت پذیرفته اند؛ به طوری که براساس این آیین نامه سازمان بهزیستی کشور متولی اصلی ساماندهی کودکان خیابانی است که با همکاری سازمانهای مختلف از قبیل شهرداریها، نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت بهداشت و درمان، آموزش و پرورش باید به شناسایی، جذب و ساماندهی کودکان خیابانی بپردازند. بدیهی است توانایی حل مشکلات این دسته از سازمانها برای حل مشکلات کودکان خیابانی نمی تواند جوابگوی کاملی برای حل معضلات باشد و باید مردم به طور گسترده در این جریان درگیر شوند. حساس کردن مردم به این مسأله و توجه به نهاد خانواده و مسایل تربیتی آن از سوی رسانه های گروهی و یا برنامه های درسی دانش آموزان و دانشجویان می تواند در این زمینه مؤثر باشد.

خوشونت های دیگری قرار می گیرند. بی پناه و سرگردان و آواره خیابان ها بوده و با مشکلات زیاد به زندگی خود ادامه می دهند و در صورت ناامن بودن خانواده راه بازگشت به آن را مسدود دیده، جذب باندهای منحرف گردیده روند و اجتماعی شدن انحرافی را آغاز می کنند. (آقابگلویی، ۱۳۸۳، اعزازی، ۱۳۸۳)

۳. فقر فرهنگی: وجود باورهای فرهنگی غلط که کار کودکان را توجیه می کنند، در کار کودکان بی تأثیر نیست. به طور مثال خرده فرهنگی در جامعه وجود دارد که بر مبنای آن کار کودک توجیه شده و تحت عنوان اقتصاد اخلاقی نام گرفته است. اقتصاد اخلاقی کار کودک را تحت عنوانی مثل غیرتمندی قرار می دهد و این موضوع را که خانواده به کار کودک احتیاج دارد و کودک در قبال خانواده مسؤولیت دارد، توجیه می کند.

۴. سودجویی کارفرمایان: از نظر صاحبان مشاغل، کودکان امتیازهایی نسبت به بزرگترها دارند. کودکان درازای انجام کار معین دستمزد ارزانتری دارند، مطیعترند و با تقاضاهای نوسانی بازار کار همسازی بیشتری دارند و هر زمان می توان آنها را اخراج کرد. کودکان نمی توانند عضو اتحادیه ها باشند؛ آنها اعتصاب نمی کنند؛ آنها را می توان به صورت فصلی استخدام کرد؛ و می توان از شمول نظام تأمین اجتماعی خارجشان کرد و ده ها امتیاز دیگر....

۵. ضعف سیستمهای جایگزین: در صورت ناتوانی خانواده در ارتباط با کودک در صورتی که خانواده نتواند نیازهای کودک را برآورده کند، هیچ گونه سیستم حمایتی قانونی جدی و قوی برای دفاع از حقوق کودکان به صورت کارآمد وجود ندارد. برخی از سازمانها



●●● بر طبق آمارنامه داخلی یونیسف ۱۱ درصد کودکان ایرانی کم وزن هستند و دچار سوء تغذیه. این کودکان همچنین از کم خوابی نیز به شدت رنج می‌برند، چرا که اکثر ساعات خود را در حال کار، آنهم در محیط آلوده به سر می‌برند که باعث بی حالی آنها می‌گردد. از سوی دیگر شرایط سخت و طاقت فرسای این نوع زندگی، عدم امنیت جنسی و جسمی به شدت این کودکان را تهدید می‌کند ●●●

از این کودکان بعد از شکستهای مکرر در تحصیل از تحصیل بازمانده‌اند.

۴. **تجربه خشونت و آزار جنسی:** بسیاری از این کودکان در یک فضای پرتنش خانوادگی که یا پدر معتاد بوده و یا نسبت به مادر و فرزندان خشونت اعمال می‌کرده زندگی کرده‌اند. این دسته از کودکان آزار جسمی و جنسی شدیدی را از سوی اعضای خانواده تجربه کرده‌بودند. در تحقیقی که بر روی ۲۲۴۰ نفر از نوجوان دبیرستانی ایران انجام شده است، ۶۰ درصد کودکان اعلام کرده‌بودند که آزار دیده‌اند. ۶۱ درصد آنها آزار جسمی، ۳۳ درصد آزار روانی، ۶/۶ درصد آزار جنسی را تجربه کرده‌بودند. در ۲۲ درصد موارد آزارگر عضو خانواده، ۳۱ درصد خویشاوندان نزدیک و ۱۶ درصد آشنای خانوادگی بوده‌اند. (مدنی، ۱۳۸۲)

۵. **مشکلات رفتاری و اجتماعی:** به دلیل تجربه محیطهای ناخوشایند و پرتنش، بسیاری از کودکان دچار اضطراب شدید، افسردگی، گوشه‌گیری، پرخاشگری و انواع رفتارهای ضد اجتماعی شده‌اند. در تحقیقی ۸۷ کودک خیابانی ساکن منطقه ۱۲ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند. از این گروه که میانگین سنی شان ۱۱ سال بود این آمار به دست آمد. ۱۶/۱ درصد سیگار مصرف می‌کرده و ۹/۱ درصد مصرف مواد مخدر داشته‌اند. در ضمن افکار خودکشی در ۵/۷ درصد کودکان به اثبات رسیده‌است. ۱۰/۵ درصد کودکان نیز افسردگی داشته‌اند.

در تحقیقی دیگر روی ۱۰۳ کودک خیابانی ساکن در میدان شوش این نتایج به دست آمد، میانگین سنی این کودکان ۱۰ سال و میانگین سالهای تحصیل ۵/۶ سال بوده است. ۲۰/۹ درصد این کودکان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، ۴۰ درصد پسران و ۸۰ درصد دختران از افسردگی رنج می‌برده‌اند. ۵/۸ درصد کودکان سابقه خالکوبی ۱۸/۴ درصد سابقه ابتلا به یرقان (زردی) ۱۴/۶ درصد سابقه اعتیاد در خانواده را تأیید کرده‌اند. (سایت کودکان خیابانی ایران)

مشکلات کودکان کار و کودکان خیابانی

کودکان کار و کودکان خیابانی به دلیل ماهیت زندگی خود در معرض آسیبهای جسمانی و روانی گوناگونی هستند. بسیاری از نیازهای حیاتی این دسته از کودکان برآورده نشده است. که آثار دراز مدتی در طول زندگی آنها برجای می‌گذارد، که به مهمترین آنها می‌پردازیم. ۱. **مسایل بهداشتی:** عمومیتترین اختلالات در بین کودکان کار و خیابان سوء تغذیه، بیماریهای پوستی، عفونتهای تنفسی، اختلالات تنفسی، اختلالات فیزیکی مزمن، تغییر شکل اندامهای بدن، کاهش شاخصهای رشد (قد و وزن) هستند.

بر طبق یک تحقیق گروه مددکاری بر روی تعداد زیادی از کودکان خیابانی جنوب شهر تهران ۶۶ درصد کودکان به بیماریهای عفونت انگلی روده‌ای، ۱۰ درصد عفونتهای ادراری، ۹۶ درصد پوسیدگی دندان و بیماریهای لثه و ۲۴ درصد به عفونتهای پوستی مبتلا بوده‌اند.

نتیجه آزمایش ایدز و هیپاتیت C در تمامی کودکان مورد مطالعه منفی بوده، اما ۱۷/۴ درصد کودکان به هیپاتیت B مبتلا بوده‌اند. بر طبق آمارنامه داخلی یونیسف ۱۱ درصد کودکان ایرانی کم وزن هستند و دچار سوء تغذیه. این کودکان همچنین از کم خوابی نیز به شدت رنج می‌برند، چرا که اکثر ساعات خود را در حال کار، آنهم در محیط آلوده به سر می‌برند که باعث بی حالی آنها می‌گردد. از سوی دیگر شرایط سخت و طاقت فرسای این نوع زندگی، عدم امنیت جنسی و جسمی به شدت این کودکان را تهدید می‌کند.

۲. **گرسنگی و سوء تغذیه:** سوء تغذیه مهمترین عامل بیماری کودکان کار و خیابان است. این کودکان به دلیل محرومیت از مواد مغذی و ویتامینها مشکل کم وزنی و سوء تغذیه دارند. بر طبق آمارنامه داخلی یونیسف ۱۱ درصد از کودکان ایرانی کم وزن هستند و دچار سوء تغذیه.

۳. **مشکل در ادامه تحصیل:** فقط یک سوم کودکان کار و خیابان در کلاس درس حاضر می‌شوند و نیمی

نتیجه گیری

معضل کودکان کار و خیابانی معضلی جهانی است. آمارهای رسمی و غیررسمی حاکی از عمق فاجعه است؛ بویژه اینکه این کودکان پس از ورود به دنیای کار و خیابان در معرض آسیبهای اجتماعی قرار گرفته، دچار انواع مشکلات جسمی، روحی و روانی گردیده‌اند. از همه مهمتر از رشد انسانی و اجتماعی مطلوب که حق هر انسان است باز مانده‌اند. مطالعات نشان می‌دهند اکثریت این کودکان متعلق به خانواده‌های فقیر محروم و از هم‌گسیخته‌اند. این کودکان قربانیان خاموش خشونت در خانواده و در جامعه‌اند. نهادهای حقوقی و قانونی نیز هنوز راه طولانی برای رسیدگی و نجات این دسته از کودکان در پیش رو دارند. وجود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، بحران در خانواده، فقر فرهنگی، ساختار نهادینه شده خشونت در جامعه، سودجویی کارفرمایان، همه و همه از جمله عوامل مؤثر بر پیدایش و شدت بخشی به این پدیده است. اگر بخواهیم این معضل را برطرف کرده و یا حداقل از شدت آن بکاهیم، لازم است کلیه مسؤولین و مردم و نهادهای فرهنگی فکری جامعه، سعی در حل این مسأله اجتماعی روبه رشد کنند. کودکان، آینده‌سازان یک کشورند؛ آنها در کمال معصومیت و بی‌گناهی ناخواسته درگیر مسایلی شده‌اند که نتایج آن به کل زندگی آنها آسیب جدی وارد می‌کند و آنها را از چرخه یک زندگی مطلوب و سالم خارج می‌سازد. این کودکان با ورود به دنیای بیرحم و خشونت بار خیابان درگیر زندگی اجتماعی خاصی می‌شوند و چاره‌ای جز پیوستن به گروه‌های منحرف برای ادامه حیات و زنده ماندن ندارند. این کودکان برای بقا می‌جنگند، بدون اینکه یار و یآوری داشته باشند. بی‌رحمی و خشونت و بی‌تفاوتی جامعه از آنها افرادی سرخورده، تحقیر شده، افسرده و بیمار می‌سازد، که در بزرگسالی نیز زندگی بهتری در انتظارشان نیست. آنها در تله فقر و انحراف تا آخر عمر گرفتارند و این زنجیره شیطانی تا آخر عمر آنها را رها نمی‌کند. کودکی که اکنون کارتن خواب است فردا چه آینده‌ای خواهد داشت؟

منابع

۱. آقابگلویی، عباس - آقاخانی، کامران (۱۳۸۳). «بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹». مجموعه مقالات آسیبهای اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی». مجموع مقالات آسیبهای اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران.
۳. جانقلی، مصطفی (۱۳۸۳). «بررسی وضعیت کودکان خیابانی». مجموعه مقالات آسیبهای اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران.
۴. شیخاوندی، داور (۱۳۷۳). «جامعه‌شناسی انحراف نشر مردنیز».
۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). «جامعه‌شناسی». ترجمه صبوری کاشانی، نشر نی.
۶. مدنی، سعید (۱۳۸۲). «کودک آزاری در ایران» نشر اکنون.
۷. مجیدی، فریبرز (۱۳۷۸). «وضعیت کودکان جهان سال ۲۰۰۰». صندوق کودکان سازمان ملل متحد یونیسف در جمهوری اسلامی.
۸. یونیسف (۱۳۸۱). «کودکان خیابانی در بمبئی و کلکته مروری» بر چند پروژه برای کودکان خیابانی.

راهکارها

- برخی از راهکارهایی که می‌توانند به نوعی به حل مسأله کمک کنند، در زیر پیشنهاد می‌شود.
۱. حمایت‌های قانونی صریح و روشن و قاطعانه از حقوق جامعه کودکان و زنان در صورت هرگونه تعرض به آن.
 ۲. استفاده از نیروهای مردمی و انجمنهای داوطلبانه برای جذب و بازپروری این گروه از کودکان.
 ۳. تشویق زوجهای بدون فرزند برای سرپرستی اینگونه کودکان.
 ۴. استفاده از طرح پدرخوانده و مادرخوانده برای این دسته از کودکان، برای حمایت عاطفی و مالی و تربیتی آنها.
 ۵. تقویت نهاد خانواده و ترویج فرهنگ عشق، مودت و محبت از طریق نهادهای فرهنگی بویژه صدا و سیما. لازم به ذکر است سینمای ایران به جای توجه به خشونت در فیلمهای خود بهتر است به مسایل و معضلات اجتماعی و ترویج فرهنگ گفتگو، محبت و همکاری در میان مردم اقدام کند.
 ۶. طراحی و تدوین برنامه‌های گسترده برای آموزش مردم در ارتباط والدین با یکدیگر و والدین و کودکان با استفاده از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان.
 ۷. آموزش مهارتهای ارتباطی و تقویت هوش عاطفی بویژه در مواد درسی مدارس و دانشگاه.
 ۸. استفاده از روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی برای آگاه‌سازی مردم از نحوه تربیت و آموزش فرزندان در مراکزهای پزشکی و بهداشتی.
 ۹. مبارزه با فرهنگ خشونت، کودک آزاری و زن آزاری به هر شکل از طریق جراید و صدا و سیما و ...
 ۱۰. تدوین برنامه‌های مشخص و هدفمند برای شناسایی و حل مشکلات کودکان خیابانی از سوی نهادهای مسؤول.
 ۱۱. اصلاح ساختار اقتصادی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی از سوی دولت و تلاش برای کاهش آن.

9. www. Khawaran.com

10. www. Sid.ir

11. www. Street children.com

12. www. Iran street children.com

13. www. Labour children.com